

شماره هجدهم سال سوم
اول شهریورماه ۱۳۸۰ (۶ -)

صفحه ۶

ستیز



تقدیر و معرفی در کتاب
تقدیر و معرفی در کتاب
تقدیر و معرفی در کتاب

موسیقی و سبک‌های نوین

از: بهرام معصومی

صحن بهر پدرومردی دیدی به چشمت خواری و مرگ وطن را

سی همناسی، در روز ۱۳ شهریور
سرودهای مسعودآنجمنان با
عشق به انسانها، به ویژه به
انسان رادمانی - بیس - است
پاریس، جمال سورن
از میس، تحسین وستایش
برانگیز است. کتاب که پایین
بیت از سروده « پدروچان »
همان، سروده « پدروچان »
به چشمت خواری وطن را
آغاز می گردد و پایین بیت از
رباعی « شیرپیر »
عمریست ترا چشم بر ارم بخدا
افسوس و صد افسوس که -
دیر آمده ای

با این سرود، سرود
از دل برآمده است، بخوبی
بر دل هاست نشیند و توانائی
وشایستگی شاعر را بدون
کوچکترین ادعائی جاودانه می
سازد. اشعار عظمائی علاوه
بر صفات یادشده، این صفت
شایسته را نیز در خود نهفته
دارد که از سادگی خاصی
برخوردار است و وی سروده
های خود را در تعلق یک گروه
خاصی قرار نداده است.
برای آنکه سروده ای را از این
کتاب « شعله های پائیزی »
تقدیم خوانندگان گرانمایه
نسایم، به زمانی طولانی
نیاز داشتم، چرا که انتخاب
کارآسانی نبود، ولی با توجه به

آثار « پدروچان » که
در نقاشی و خطاطی هم مهارت
داشت و پانزدهمین معاصر
المانی است که در ایران
هم اکثر، اوقات، خود را در
نقاشی هم صرف میکنند، نام
برد. شاعر عزیزمان خانم
ژاله اصفهانی در مقدمه ای
که بر این کتاب (شعله های
پائیزی) نوشته اند و تأیید
کامل ما را به همراه دارد،
مینویسد: « گرمای دلپذیر
شعله های آن چنان از برگ
برگ این دفتر برامی وزد که
مشتاق و منتظر به سراغ پائیز
شاعرانه من شتابم، می‌سهم
چرا پائیز، بهار را چه فنده؟
شاید در بیان رمز بشنویم که
جوانه های جوانی جابه رنگ
های شعله ور پائیزی سپرده
اند. هر فصلی زیبایی و ابهت
خویش را دارا است، اگر انسان
جان فسرودان خود را در آن
برافروزد. مسعود که به
گفته خود تضادهای زندگی
از جمله عشق، مهر، سخاوت،
صداقت، نازک دلی و تواضع
را از پدرو آموخته است، به تأیید
همه دوستان، جملگی این
صفات را در خود نهفته دارد و با
اولین برخورد و ملاقات و آشنائی
تلفنی این مهم دستگیرت
میشود که انگار سالهاست او را

در دیدن سرودها که
از چاپ و از چاپ مجدد آن هم
اطلاع دقیقی ندارم، این
شاعر، فصلی از سرودها را
برخاسته از آنتر که در اصل به
شکل شریف پزشکی
(پزشکی بیماریهای زنان)
در یکی از شهرهای شمالی
آلمان امینال دارد، سبب
دومجموعه نامبرده، دو عنوان
کتاب داستان نیز به زبان
آلمانی به نام « پسرک
ورامینی » و « بریالمهای
خیال » و همچنین نوارکاست
شعری با صدای خود شاعر
و دو کاست موسیقی به نام
« ایران زمین من » و « بوان
عشق » با صدای رسا
و گیرنده و خواننده محبوب
« خانم سروش ایزدی » به
دوستانان فرهنگ والای
ایرانی تقدیم و بدون اغراق
همگی ستایش و تحسین عمومی
را به دنبال داشته و ما خود
نیز سکوت را جایز ندانستیم.
مسعود از معدود کسانی است
که در زمینه های مختلف
از خود شایستگی نشان داده
و در هر زمینه ای نیز موفق بوده
است. از جمله شخصیت هائی
که در زمینه های مختلف
فرهنگی صاحب خلافت بوده
اند، میتوان از شاعر شهره

دومین مجموعه سروده های
شاعر فرزانه و توانای ایرانی
« دکتر مسعود عطائی » زیر
را به بند کاس پائیزی «
در ۱۳۰ صفحه و قطع رقعی
خواری، مقدمه ای از
شاعر عزیزمان « خانم ژاله
اصفهانی » بایش از
۸۰ سروده (شعر، غزل،
دریغی، و نصابوزی از
بزرگان و شخصیت های
مردمی از جمله دکتر محمد
مصطفی، سیمین بهبهانی،
بزرگ علوی، ژاله اصفهانی،
هوشنگ ابتهاج، فریدون
مشیری، اخوان ثالث،
پدرو چاچمی، محمد علی اکی
... و ...
موسسه نیما (اسن - آلمان)
اخیرا انتشار و در دسترس
ایرانیان قرار گرفته است، به
راستی حیف آمد از معرفی آن
چشم بیوشم و آنرا به اطلاع
سگان و به ویژه خوانندگان
گرانمایه « ستیز » که
در نقاط مختلف گیتی سکنی
گزیده اند، نرسانم.
نخستین مجموعه اشعار مسعود
زیر عنوان « چکامه های
غربت » در بهار سال ۱۳۷۳
خورشیدی عرضه گردید که
همانطور که انتظار بیرفت
با استقبال عمومی سراجیه